

عنوان مقاله:

تاثیر مخارج دولت بر بازدهی نظام آموزش و پرورش

محل انتشار:

مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره 5، شماره 58 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

زهرا رضوانی - آموزگار ابتدایی

عبدالغنی غمشادزهی - آموزگار ابتدایی

حمیدالله فاضلی لجی - آموزگار ابتدایی

زهرا جلالی خواه - آموزگار ابتدایی، کارشناسی ارشد روانشناسی

خلاصه مقاله:

اثرگذاری رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی بر بسیاری از متغیرهای کلان مانند مخارج مصرفی بخش خصوصی، درآمد های مالیاتی، اشتغال، تورم، توزیع درآمد و... سبب گردیده است که رشد اقتصادی به یکی از مهم ترین شاخص اقتصاد کلان تبدیل شود. به همین دلیل بخش قابل ملاحظه های از ادبیات اقتصاد و توسعه، به بررسی عوامل موثر بر رشد اقتصادی اختصاص یافته است. نزدیک به نیمی از ۴۰ نفر رتبه اول کنکور سال جاری ساکن تهران هستند که ۶۶ درصد آن ها در مدارس نمونه دولتی یا غیردولتی و ۳۳ درصد در مدارس سمپاد درس خوانده اند و بیش از ۹۰ درصد نفرات برتر شهرستان ها در مدارس سمپاد تحصیل کرده اند. «نسبت مخارج دولت در آموزش به تولید ناخالص» ایران در سال ۱۳۹۸ به ۳.۲ درصد سقوط پیدا کرده است. این نسبت نشان می دهد دولت به چه میزان در پرداخت هزینه های آموزشی مشارکت می کند. در دوره ۱۰ ساله منتهی به سال ۱۳۸۵ «نسبت مخارج دولت در آموزش به تولید ناخالص» بالای چهار درصد بود و حتی در سال ۱۳۸۶ به ۶.۴ درصد بالغ شده است. از سال ۱۳۸۷ تاکنون، این نسبت به تدریج کاهش یافته که دو شوک ارزی و به تبع آن، کاهش حقوق معلمان و کارکنان آموزشی (با اخذ مالیات تورمی) و در سوی دیگر، خصوصی سازی آموزش، مهم ترین عوامل آن به شمار می روند. در سال ۱۳۹۶ / ۲۰۱۷ «نسبت مخارج دولت در آموزش به تولید ناخالص» در کل جهان ۸.۴ درصد، در کشور های با درآمد اقتصادی بالا، عضو شورای همکاری و توسعه اقتصادی، اتحادیه اروپا و آمریکای شمالی بین ۵ تا ۲.۵ درصد و برای کشور های انگلستان و فرانسه ۵.۵، کانادا و کره جنوبی ۵.۳، سوئیس و عربستان سعودی ۵.۱، آمریکا ۵ و ترکیه ۳.۴ درصد بوده است.

کلمات کلیدی:

مخارج، دولت، بازدهی، آموزش و پرورش.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1763336>

